

## مطالعه تطبیقی مکانیزم‌های نظارتی و اجرایی حقوق بشر در ایران و ایالات متحده آمریکا

محمدحسین دهقانزاده<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۵

مسعود بیتانه\*<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۵

نادر مردانی<sup>۳</sup>

## چکیده

در چند دهه اخیر، اقدامات جامعه بین‌الملل در زمینه ارتقاء حقوق بشر و حمایت از آن بسیار مهم و قابل توجه بوده است. نتیجه این اقدامات، افزایش تمایل دولت‌ها نسبت به حقوق بشر و مشارکت آنها در فرایند حمایت از حقوق بشر بوده است. این تمایلات باعث گردید که در سطوح مختلف بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، سازوکارها و مکانیزم‌های نظارتی و اجرایی مختلفی جهت حمایت از حقوق بشر در نظر گرفته شود. در سطوح ملی، اغلب کشورهای جهان، مکانیزم‌های مختلفی در جهت حمایت از حقوق بشر ارائه داده‌اند، که هر کدام از این مکانیزم‌ها دارای تفاوت‌هایی با مکانیزم‌های دیگر کشورها می‌باشند. نقض‌های گسترده حقوق بشر و عدم امکان پیشگیری از آن، همه مؤید این می‌باشند که مکانیزم کاملاً موثری برای حمایت از حقوق بشر وجود ندارد و همه‌ی ساز و کارهای نظارتی و اجرایی نیز نمی‌توانند به صورت کاملاً موثر بر اجرای قواعد حقوق بشر اعمال نظارت نمایند، لذا باید مکانیزم‌های نظارتی و اجرایی در سطوح ملی کشورها جهت رسیدن به مکانیزم‌های نظارتی و اجرایی مطلوب مورد تحلیل قرار گیرند. از این رو این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه تطبیقی مکانیزم‌های نظارتی و اجرایی حقوق بشر در ایران و ایالات متحده آمریکا پرداخته است.

واژگان کلیدی: آمریکا، ایران، حقوق بشر، مکانیزم اجرایی، مکانیزم نظارتی.

<sup>۱</sup> . دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، امارات متحده عربی

Email: dehghanzadeh2015@gmail.com

<sup>۲</sup> . استاد و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Bitaneh45@Gmail.com

<sup>۳</sup> . دانشیار و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایران.

Email: Nadermardani@gmail.com

در عصر حاضر، هر نظامی برای موفقیت در سیاست خارجی خود با دو موضوع مواجه است: اولین موضوع مدیریت منابع و دومین موضوع مدیریت تهدیدات است. در سال‌های اخیر، بررسی روابط دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در سطوح بین‌المللی نشان می‌دهد که موضوع حقوق بشر از مهمترین موضوعاتی است که در ارتباطات دیپلماتیک وجود داشته است. از این رو انتظار بر آن است که پژوهشگران و مسئولان اجرایی کشور توجه بیشتری به این امر نشان دهند. شناخت بهتر موضوع حقوق بشر، باعث شناخت کارکردها و تهدیدهای آن در روابط بین‌الملل می‌گردد که با رفع تهدیداتی که از این ناحیه متوجه کشور است، می‌توان از ابعاد فرصتی آن در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل بهره‌مند شوند.

در جهان به هم پیوسته و وابسته‌ی کنونی هیچ کشوری نمی‌تواند تنها با پشتوانه‌ی توانایی‌های داخلی خود و بی‌توجه به جهان خارج راه پیشرفت و توسعه‌ی همه‌جانبه را طی کند. توجه به ماهیت مقررات حقوق بشر در عرصه‌ی بین‌المللی برای اجرا در نظام داخلی، از نکات کلیدی و مهم درک فرایند نظارت می‌باشد. چرا که قواعد حقوق بشر از یک سو امتیازاتی را اعلام می‌دارد که گرچه تعهدی بین‌المللی بر عهده‌ی کشورهاست، ولی ذینفعان واقعی، افراد یا گروه‌های انسانی هستند نه دولت‌های متبوعشان (زارع نعمتی، ۱۳۹۴: ۸). و از سوی دیگر، عنایت تام به این ویژگی، عناصری خاص در خود دارد که درک مکانیزم چگونگی حمایت از آنها را میسر می‌سازد. هر چند در حوزه‌ی تدوین مقررات حقوق بشر مثل منشور بین‌المللی حقوق بشر، کنوانسیون‌های اروپایی، آمریکایی و آفریقایی حقوق بشر و ... گام‌هایی مؤثر برای رشد و توسعه امتیازات انسانی برداشته شده، ولی در زمینه‌ی حمایت از صیانت این مقررات با وجود موانع زیادی که بسیاری از آنها در حاکمیت دولت‌ها خلاصه می‌گردد، راه بسیار دشواری پیموده شده است. این مشکل، با توجه به این نکته که حقوق بین‌الملل در اوضاع و احوال کنونی جهان که مجموعه قواعد و مقرراتی است که با ایجاد تعادل میان منافع بین‌المللی، ناظر بر همکاری میان دولت‌ها بوده و از این رو، از ضمانت اجرای مؤثری برخوردار نیست، بسیار تشدید گشته است.

مسئله‌ی حقوق بشر در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شرایطی را به وجود آورده که در عصر جهانی شدن اکثر کشورهای ملل متحد به معیارهای حقوق بشری در سیاست خارجی خود اهمیت می‌دهند. آمریکا نیز به عنوان یک قدرت برتر جهانی به مسئله‌ی حقوق بشر در رویکرد سیاست خارجی خود در قبال کشور خود و سایر کشورها توجه کرده است (رضایی، ۱۳۹۳: ۳۶). ایالات متحده در سیاست خارجی خود به شکل مکرر موضوع حقوق بشر را مطرح کرده است. این کشور همواره خود را حامی ارزش‌های حقوق بشری در عرصه جهانی قلمداد کرده است. دیرینه حقوق بشر در آمریکا به زمان استقلال ایالات متحده رهبران بر می‌گردد که در این ارتباط می‌توان به اعلامیه حقوق بشر آمریکا و مواردی از این دست اشاره کرد. در قانون اساسی آمریکا که به عنوان نخستین قانون اساسی بدون جهان شناخته می‌شود بر مسائلی از جمله آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی مطبوعات، حق محاکمه تأکید شده است (احمدی‌اصل، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

امروزه سیاستگذاران روابط خارجی نمی‌توانند ضرورت کاربرد موضوع‌هایی نظیر ایدئولوژی، فرهنگ، اسطوره و حقوق بشر را در سیاست خارجی خود به عنوان عناصر اصلی و بنیادین برای درک

و شناخت بهتر روابط بین ملت‌ها انکار کنند. از سویی سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران ضمن احترام به مسائلی چون احترام متقابل بین ملت‌ها، در صدد ایجاد گفت‌وگو با جامعه بشر در جامعه بین‌المللی هستند و برخورد و برداشت دوگانه جامعه جهانی از حقوق بشر را نقد می‌کنند و در طول سالیان گذشته درصدد تغییر وضع موجود بوده‌اند (احمدی‌اصل، ۱۳۹۶: ۱۳۱). در این میان برای سنجش کارکرد هر نظام، ملاک‌هایی را باید در نظر گرفت که در حوزه اجرای قواعد، مورد اعتنا و توجه نظارتی هستند. زیرا، هر نظام حمایتی در پی آن است که ساز و کار خود را به گونه‌ایی پردازش دهد که قادر باشد با از میان برداشتن موانع، راهی آسان‌تر جهت عملی شدن مقررات مربوطه فراهم آورد. این فرایند به طور مستمر تعامل میان مکانیزم‌های نظارت و عناصر اجرا را تبیین می‌کند. اتفاقاً تفاوت میان این نظام‌ها در اختلافات شکلی و ماهوی آن ارتباط هاست، یعنی اولاً باید دید عناصر اجرا در مکانیزم حمایتی به چه میزان لحاظ شده است؟ و ثانیاً بر حسب نوع نظام نظارتی، امکان توسعه مکانیزم‌های نظارتی به چه اندازه واقعیت دارد؟ بر همین اساس، مسأله‌ی اساسی که بنیان این پژوهش را شکل می‌دهد این است که حقوق بشر در نوع رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و ایران از چه جایگاهی برخوردار است. این مسأله با عطف به ساختارهای ماهیتی شکل‌دهنده سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و ایران بررسی خواهد شد و به این نکته توجه اساسی خواهد شد که حوزه‌های نظارتی و معیارهای ارزیابی حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا و ایران کدامند؟ و از آنجا که قواعد حقوق بشر در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا ماهیتی متفاوت با ایران در زمینه اجرا و نظارت دارد، ابتدا به تحلیل ماهیت اجرایی قواعد حقوق بشر و شمردن فنون و روش‌های بین‌المللی نظارت ایالات متحده آمریکا و ایران می‌پردازیم؛ و سپس به مقایسه مکانیزم‌های تعبیه شده در نظام‌های حمایتی یاد شده برای توجه به آن عناصر و پیشرفت‌هایی که در این زمینه می‌توانند در تطبیق کارکردشان با وقایع مختلف داشته باشند؛ توجه خواهیم کرد.

### حقوق بشر<sup>۱</sup>

حقوق بشر، مجموعه حقوقی است که هر فرد به صرف انسان بودن واجد آن است و آنرا انسان‌ها از آن جهت که انسانند؛ دارا هستند (فریمن، ۱۳۸۷: ۳۳). به تعبیر دیگر حقوق بشر از زمره حقوقی است که هرکسی از آن حیث که انسان است؛ از آن برخوردار می‌شود. همه‌ی انسان‌ها در حقوق بشر سهیمند، صرف نظر از حقوق و تکلیفی که یک فرد ممکن است به عنوان شهروند، عضو خانواده، کارگر یا عضو سازمان، یا انجمن خصوصی و عمومی داشته باشد. اگر همه انسان‌ها به این دلیل که انسان تلقی می‌شوند از این حقوق برخوردارند؛ حقوق بشر نسبت به همه بالسویه است و به این دلیل که انسان بودن را نمی‌توان انکار کرد؛ از بین برد یا سلب نمود، بالمآل حقوق انسان نیز غیر قابل سلب است. در این معنی حتی خون‌آشام‌ترین شکنجه‌گران و تحقیر شده‌ترین قربانیان نیز انسانند. هرچند که در عمل همه افراد از همه‌ی حقوق انسانی خود بهره نمی‌برند، بمانند که آنها را به نحو یکسان مورد بهره‌برداری قرار دهند، معالوف همه انسان‌ها حقوق انسانی واحدی دارند و از این حقوق به گونه برابر و غیر قابل سلب برخوردار هستند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۰: ۹۶).

<sup>۱</sup> Human right

حقوق بشر شامل فهرستی از حقوق ذاتی، جهان شمول و ضروری است که شروط لازم برای برآوردن نیازهای اساسی انسان می‌باشند. به دلیل ذات‌واری و جهان‌شمولی حقوق بشر است که این مجموعه حقوق به تمام افراد بشر به حکم انسان بودن و بدون در نظر داشت تعلقات نژادی، جنسی، مذهبی، زبانی و... تعلق می‌گیرند و در هیچ وضع و حالی قابل سلب، تعلیق و تعطیل نیستند. رعایت اصل برابری و منع تبعیض در برخورداری شهروندان از حقوق بشر، از اصول مسلم این دسته حقوق تلقی می‌شود (قریشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶).

حق حیات، حق آزادی و امنیت شخصی، حق کرامت انسانی، حق آزادی بیان، حق آزادی عقیده، حق آزادی تشکیل اجتماعات، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق کار، حق ملکیت، حق آزادی گشت و گذار، حق تابعیت، حق آزادی ازدواج و تشکیل خانواده، حق آموزش، حق صحت، حق مراحل قانونی، حق سطح مناسب زندگی و حق مسکن مناسب، از مصادیق برجسته حقوق بشر است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق مهم بین‌المللی حقوق بشر (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) تسجیل گردیده است (طریقت، ۱۳۹۷: ۶۹).

## نظارت و اجرای حقوق بشر در ایران و آمریکا

### ۱. تضمین‌های داخلی حمایت‌کننده از حقوق بشر در ایران

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، امروزه بخش مهمی از حقوق قانونی بشری و شهروندی را در سطح ملی و بین‌المللی تشکیل می‌دهد که می‌توان مصادیق آن را در تخصصی‌ترین معاهده‌ی بین‌المللی در این زمینه، یعنی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشاهده کرد. این حقوق در قوانین اساسی بیشتر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، وارد شده و دولت‌ها را در برابر این دست از ادعاهای شهروندان مکلف کرده است.

### ۲. تضمین‌های حکومتی

#### ۲-۱. قانون اساسی

یکی از مکانیزم‌های مهم نظارتی و اجرایی حقوق بشر در کشور ایران، قانون اساسی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۸ تصویب شده بود؛ با توجه به بازنگری سال ۱۳۶۸ در ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل تدوین شده است؛ در فصل سوم آن به تعداد ۲۵ اصل (از اصول ۱۸ تا ۴۲) یعنی تقریباً ۱۴ درصد از کل حجم قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت نام‌گذاری شده است.

#### ۲-۱-۱. حقوق اقتصادی

باید توجه داشت که تأمین نیازهای شهروندی، بخشی از مؤلفه‌های حقوق بشر را تشکیل می‌دهد. از این رو توجه قانون اساسی به حقوق اقتصادی را می‌توان به عنوان مکانیزمی اجرایی (و در برخی از موارد نظارتی) از حقوق بشر در نظر گرفت. فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طی ۱۳ اصل،

به طرأحی اصول کلی اقتصادی جامعه پرداخته است. آنچه در شرایط اول انقلاب بیش از هر چیز فضای کشور را به دلیل ماهیت ضد استعماری انقلاب اسلامی مردم ایران تحت تأثیر قرار داده بود، اندیشه مبارزه با استثمار و استعمار، و احقاق حق پابرهنگان و برتری کوخ‌نشینان بر کاخ‌نشینان بود (تمدن، ۱۳۸۷: ۳۳). در قانون اساسی، مهم‌ترین اصلی که به تعیین سهم بخش‌های گوناگون اقتصاد در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی پرداخته و به عبارت دیگر، با ساختار تصمیم‌گیری مرتبط است، اصل ۴۴ می‌باشد. در این اصل، اقتصاد کشور از نظر نوع فعالیت، به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، تقسیم می‌گردد. بر اساس این اصل، فعالیت‌های مهم و تاثیرگذار اقتصاد کشور همچون صنایع بزرگ، صنایع مادر، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی‌رانی، راه‌آهن و مواردی از این قبیل در شمار فعالیت‌های بخش دولتی قرار گرفته‌اند که این وزن بسیاری به بخش دولتی در مقابل بخش‌های دیگر می‌دهد (زارع و گنجی، ۱۳۸۸: ۳۹). در اجرای هر یک از این فعالیت‌ها، تأمین مصالح عمومی است؛ بدین معنا که در هر زمان و هر مورد که مصالح عمومی ایجاب کند که اداره این فعالیت‌ها به بخش‌های دیگر واگذار شود، دولت باید در جهت مصالح عمومی، تنها به نظارت اقدام کند و از دخالت مستقیم بر حذر باشد (فتحی، ۱۳۹۶: ۱۱). بر اساس اصول قانون اساسی، مرجع تشخیص این مصالح، شورای نگهبان قانون اساسی و مجمع تشخیص مصلحت نظام است (صفر، ۱۳۸۶: ۴۹). اصول اساسی اقتصادی در قانون اساسی به شرح زیر است:

- اصل ۴۸: در بهره‌برداری از منابع طبیعی ... و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید «تبعیض» در کار نباشد.
- اصل ۴۴ قانون اساسی: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:
  - ۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.
  - ۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.
  - ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

- ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.
- ۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.
- ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.
- ۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.
- ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.
- ۹- تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفائی برساند و از وابستگی برهاند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۵).

#### ۲-۱-۲. حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی و برخورداری از شرایط آبرومندانه زندگی و حمایت از قشرهای آسیب پذیر در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است. که از جمله می‌توان به اصول ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۴۳ اشاره کرد. بر این اساس می‌توان گفت حقوق اجتماعی حقی است که باید از سوی دولت‌ها تضمین شود و هدف از تصویب قوانین اجتماعی، اجرای برنامه‌های ارائه‌کننده مزایا و خدمات اجتماعی مطابق با قوانین رسمی هر کشور است (نوری، ۱۳۹۶: ۶۶). از این منظر می‌توان گفت تأمین امنیت فردی و آزادی شخصی بدون تحقق تأمین اجتماعی بی‌مفهوم است و هدف از قوانین اجتماعی تعیین اصول راهبردی در کل نظام حمایت‌های اجتماعی و سایر قوانین مرتبط و نیز روند اجرایی قوانین است (مهدی‌زاده و تورانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۸). بنابراین حقوق اجتماعی حاکی از نقش فعال و احساس مسئولیت دولت نه تنها از حیث برقراری نظم و امنیت، بلکه از حیث تأمین رفاه عموم است، در حقیقت دولت متعهد به ایجاد وضعیتی جهت برخورداری همه شهروندان از حقوق اساسی فردی خود می‌شود زیرا حقوق اجتماعی مانند حقوق و آزادی‌های فردی، ناشی از مقتضیات طبیعت بشر است که برای او به همان اندازه حقوق فردی، امری حیاتی و اساسی است و موجب رهایی او از بی‌عدالتی‌های متعدد می‌باشد (Marianne, 2014, p.759).

#### ۲-۱-۲-۱. حق داشتن شغل مناسب

در ماده‌ی ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید شده است: هرکس حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب کند، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد. حق کار کردن در شرایط عادلانه و مناسب در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مورد حمایت قرار گرفته و تضمین شده است. همچنین به موجب ماده ۶ میثاق کشورها متعهد شده‌اند به منظور تأمین اعمال کامل این حق اقداماتی شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خط مشی‌ها و تدابیر فنی که از لوازم توسعه مداوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادی‌های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ کند به عمل آورد. حق کار و اشتغال جلوه‌های دیگری در اسناد بین‌المللی دارد از جمله: حق دفاع از حقوق شغلی از طریق

اتحادیه‌های صنفی آزاد<sup>۱</sup>، حق دریافت مزد مساوی در مقابل کار مساوی<sup>۲</sup>. نظام حقوق داخلی نیز در راستای حمایت از حق بر اشتغال و همسو با اسناد بین‌المللی در اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. بدین ترتیب در قانون اساسی ایران حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل، به رسمیت شناخته شده است و در ادامه تکلیف دولت در این خصوص بیان شده است. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و نهم برای جلوگیری از نابودی و فلج شدن افراد جامعه در زندگی اقتصادی خود دولت را موظف کرده است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی از قبیل آنچه در صدر اصل بیست و نهم آمده است را برای یکایک افراد کشور تامین کند. همچنین در بند ۲ از اصل چهل و سوم قانون اساسی یکی از اصول اساسی و ضوابط اقتصاد ایران را تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند؛ از طرفی که در همین بند یادآور شده است بیان می‌کند. بنابراین هیچ کس نباید به دلیل عدم دسترسی به کار مناسب و شغل منطبق با شئون خود از هستی ساقط شده و دولت نیز از محل درآمدهای ملی از او حمایت نکند (نیکزاد، ۱۳۸۶: ۲۳).

#### ۲-۱-۲. حق برخورداری از تأمین اجتماعی

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، در ماده ۲۵ مقرر می‌دارد که، هرکس به عنوان عضوی از جامعه حق بر تأمین اجتماعی دارد<sup>۳</sup>. به علاوه اشکال متعدد تأمین اجتماعی مانند حق بر امنیت در وقع بیکاری، بیماری، معلولیت، بیوگی، سالخوردگی یا نبود امرارمعاش در شرایطی که از کنترل فرد خارج است، مشمول ماده ۲۵ هستند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قیدی عمومی درباره حق تأمین اجتماعی دارد که شامل بیمه اجتماعی است<sup>۴</sup>. ماده ۱۰ میثاق به حمایت خانواده مربوط می‌شود و به طور خاص مزایای تأمین اجتماعی در طول مرخصی زایمان را ذکر می‌کند. (امیرارجمند، ۱۳۸۶: ۲۷۹). از دیگر تلاش‌های بین‌المللی در این زمینه می‌توان به معاهده بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی که در بندهای ۴ و ۵ ماده ۵ خود، خواهان تضمین بدون تبعیض حق بر تأمین اجتماعی و کمک اجتماعی است، اشاره کرد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صدر اصل بیست و نهم برخورداری از حقوق تأمین اجتماعی به دلیل بروز عوامل فوق‌الذکر را به عنوان یک حق مسلم از جانب ملت بر دوش دولت نهاده و او را به برآوردن نیازها و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی از طریق بیمه و حمایت‌های مالی و نظایر آنها موظف نموده است (بختیاری و بیگدلی، ۱۳۹۵: ۴۱۷).

<sup>۱</sup> ماده ۸ میثاق و ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

<sup>۲</sup> ماده ۷ میثاق و ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

<sup>۳</sup> Andreassen, loc.cit. note2.

<sup>۴</sup> ماده ۹ میثاق مقرر می‌دارد: کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به تأمین اجتماعی از جمله بیمه‌های اجتماعی به رسمیت می‌شناسد.

## ۳-۲-۱-۲. حق بر مسکن

حق بر مسکن مناسب صراحتاً در مجموعه‌های اسناد بین‌المللی از جمله بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قسمت د بند ۵ ماده ۳ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک، بند ۲ ماده ۱۴ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و ماده ۲۱ کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان. همچنین می‌توان به توصیه‌نامه شماره ۱۱۵ سازمان بین‌المللی کار در مورد مسکن کارگران و کنوانسیون شماره ۱۱۷ این سازمان در مورد خطمشی اجتماعی اشاره کرد.<sup>۱</sup>

در چارچوب نظام منطقه‌ای حقوق بشر، ماده ۳۱ منشور اجتماعی تجدیدنظر شده (۱۹۹۶) به عنوان یک منبع قانونی مهم حقوق مسکن، از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. علی‌رغم فقدان حق مسکن در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۲</sup> نیز، موضوعات حقوق مسکن در قضایای متعددی از جمله قضیه اکلدیوار و دیگران علیه ترکیه ۶ توسط کمیسیون و دادگاه حقوق بشر اروپا مورد توجه قرار گرفته است.

امروزه تأمین مسکن متناسب با نیازهای مردم یکی از مهمترین دغدغه‌های دولت‌های همه‌ی کشورهاست. تردیدی نیست که مسکن نقش بسیار اساسی در افزایش سطح رفاه و ارتقاء امنیت جوامع در ابعاد مختلف دارد. ازدیاد جمعیت، آرامش عمومی و اعتماد همگانی به دولت‌ها، تقویت بنیان‌های خانواده و سلامت عمومی جامعه به میزان گسترده‌ای به داشتن سرپناهی مطلوب و مطابق با شئون هر شخص بستگی مستقیم دارد. تقریباً تمامی دولت‌ها برای حل مسئله‌ی مسکن مدل‌ها و الگوهای گوناگونی را تجربه و اعمال کرده‌اند و می‌کنند (مشکینی، ۱۳۹۷: ۱۲۰). ولی آنچه مسلم است اینکه دولت جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی برای حل مشکل مسکن وظیفه مهمی را برعهده دارد. زیرا در اصل سی و یکم قانون اساسی آمده است: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. بدین ترتیب این اصل در کنار صدر اصل چهل و سوم قانون اساسی و بند ۱۲ از اصل سوم قانون اساسی به خوبی بیان می‌کند که تأمین مسکن و لزوم توجه جدی بدان از سوی دولت‌ها تا چه اندازه مورد توجه قانون‌گذار بوده است (بادام‌برجام، ۱۳۸۷: ۲۰).

## ۴-۲-۱-۲. حق بر آموزش

ماده ۱۷ منشور اجتماعی اروپایی که در ۱۹۶۶ بازبینی شد، حق بر آموزش رایگان ابتدایی و دبیرستان با هدف تکامل تمام عیار ظرفیت‌های شخصیتی، ذهنی و فیزیکی بچه‌ها و جوانان را به اهداف خود اضافه نموده است. در این راستا بند ۳ ماده ۱۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم ۱۹۸۱ در این مورد تنها به وظایف دولت‌ها در ترویج و حفظ ارزش‌های سنتی و اخلاقی شناخته شده به وسیله جامعه اشاره دارد. اما ماده ۷ و ۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره مصوب ۱۹۹۰ اشاره به ارزش‌های اخلاقی و اصول شریعت داشته و تأکید بر حق هر انسانی برای دریافت آموزش‌های دنیوی و مذهبی برای تکامل شخصیت، تقویت ایمان به خدا و ترویج احترام و دفاع از حقوق و تکالیف دارد (ایده و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۸).

<sup>1</sup> Legal Resources for Housing Right: international and National Standard, 2000.

<sup>2</sup> European Convention For the Protection of Human Rights (ECHR).



با عنایت به تأکید اسناد بین‌المللی به حق بر آموزش؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت را مکلف به برنامه‌ریزی در جهت ارتقاء سطح آموزش و آگاهی‌های عمومی می‌نماید. اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف به آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی می‌داند. طبق اصل ۳۰ قانون اساسی دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد (عطار و تورانی، ۱۳۹۴: ۲۷). در قوانین عادی و در قانون برنامه چهارم توسعه با تأکید مجدد به امر آموزش و اجباری کردن آن تا پایان دوره راهنمایی، بر این نکته توجه دارد که دولت می‌بایست به تناسب تأمین امکانات، شرایطی را پدید آورد که بتدریج در مناطقی که آموزش و پرورش اعلام می‌کند تا پایان برنامه چهارم این امر محقق گردد (عطار و تورانی، ۱۳۹۴: ۳۰). علاوه بر آن هیئت دولت در آیین‌نامه‌ای جداگانه در تاریخ ۸۳/۵/۲ به امر آموزش تا پایان دوره راهنمایی تأکید و مقرره‌ای را تصویب رسانده است. در ماده ۲ آیین‌نامه مزبور آمده است، وزارت آموزش و پرورش موظف است با همکاری شوراهای اسلامی شهر و روستا، افراد مشمول این آیین‌نامه را که از ادامه تحصیل بازمانده‌اند، شناسایی و امکان ثبت نام و ادامه تحصیل آنها را فراهم آورد. با توجه به آنچه گفته شد و مقایسه پیش‌بینی‌های صورت گرفته در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی به نظر می‌رسد حق بر آموزش به عنوان حق اجتماعی به میزان قابل قبولی در مقررات داخلی پیش‌بینی شده است (زرگرباشی، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

### ۳-۱-۲. حقوق مدنی و فرهنگی

حقوق مدنی که به عنوان حقوق عمومی نیز گفته می‌شود؛ فعلاً در تشکیلات محاکم حقوقی کشور جمهوری اسلامی ایران ریاستی به نام دیوان مدنی وجود دارد که با چنین حقوق سر و کار دارند. در مجموع در این حقوق مشمول مسئولیت افراد، حقوق مربوط به آزادی و مساوات آنها می‌گردد. حقوق مربوط آزادی: شامل آزادی عملکرد فردی، مانند آزادی انتخاب مسکن، محل سکونت، آزادی مکاتبات، آزادی اندیشه مانند: آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی آموزش و پرورش. آزادی گردهمایی: آزادی تجمعات مؤقتی تشکیل احزاب اتحادیه‌ها و... آزادی اقتصادی و اجتماعی: آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی، آزادی کار و... حقوق مربوط مساوات: برابری مساوی در مقابل قانون، مساوات در مقابل دادگاه‌ها، مساوات در پرداخت مالیات، مساوات از لحاظ اشتغال به مشاغل دولتی و... حقوق مربوط به مصونیت: مصونیت افراد اجتماع، مصونیت حیثیت، مصونیت اموال، مصونیت شغل افراد و غیره (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۶۴).

فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و وجه تمایز انسان از دیگر مخلوقات است. تعریف فرهنگ، حقوق فرهنگی و نقش دولت‌ها در قبال آن، همگی بسته به تعریفی است که از انسان، جهان و دولت ارائه میشود (فصیح‌رامندی، ۱۳۹۵: ۱۲). در اصل ۲۰ قانون اساسی، برخورداری از حمایت قانونی و تساوی افراد در همه‌ی ابعاد حقوقی است. در زمینه‌ی حقوق فرهنگی تصریح شده است. از جمله این حقوق به شرح زیر است:

- ۱- دادن حق استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و در رسانه‌های جمعی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی برای اقوام ساکن در ایران.

۲- رایگان بودن آموزش و پرورش.

۳- حق داشتن آزادی بیان.

مهمترین اصول فرهنگی و مدنی در قانون اساسی به شرح زیر است:

- اصل ۶: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات.
- اصل ۱۲: دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.
- اصل ۱۵: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.
- اصل ۱۹: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.
- اصل ۲۰: همهی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.
- اصل ۲۱: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نمایند.

### رویکردهای اجرایی و نظارتی حقوق بشر در امریکا

در عصر حاضر، ویژگی‌های اصلی دولت ملی در حال زوال است؛ به نحوی که حکومت‌های ملی دیگر نمی‌توانند همچون گذشته با وجود جامعه مدنی جهانی از خودمختاری لازم برخوردار باشند. استیلای کامل دولت‌ها بر شیوه‌ی زیست مردم خود و جامعه‌ی بین‌المللی با توجه به گسترش ارتباطات و اطلاعات در سطح جهان، دیگر ممکن نیست. یکی از اجزای جامعه مدنی جهانی، سازمان‌های غیرحکومتی بین‌المللی هستند. نقش این سازمان‌ها گردآوری اطلاعاتی است که بتوان آنها را به طور مستقیم و غیرمستقیم برای اعمال نفوذ در جهت تضمین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی به کار برد (نش، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۲). برخی از این سازمان‌ها گزارش‌هایی را در مورد وضعیت حقوق بشر تقریباً در تمامی کشورهای دنیا از جمله آمریکا منتشر می‌کنند که می‌توان از آنها برای ارزیابی وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده و میزان رعایت موازین حقوق بشری توسط آمریکا در عرصه جهانی، استفاده کرد. برای نمونه، سازمان دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۴، می‌نویسد: اگرچه، آمریکا جامعه مدنی فعالی دارد و دارای رسانه‌هایی است که از حمایت‌های قانونی قدرتمندی برخوردارند، با این اوصاف، حقوق مردم این کشور همچون

اقلیت‌های نژادی و قومی، زنان، فقرا و زندانیان مکرراً از طریق سوءاستفاده‌های صورت گرفته دولت، ضایع شده است. همچنین جاسوسی گسترده دولت از مردم، موجب ایجاد نگرانی در مورد نقض حق حریم خصوصی افراد شده است (Human Rights Whatch, 2014). سازمان عفو بین‌الملل نیز در آخرین گزارش سالانه خود درباره آمریکا، از شرایط ظالمانه زندانیان آمریکایی و زندانیان گوانتانامو، شرایط زنان و دختران، وضعیت مهاجران و کودکان ابراز نگرانی می‌کند (AmnestyInternational, 2013:P,287).

این شرایط در حالی است که سازوکارهایی همچون قانون اساسی آمریکا که از آزادی بیان و عقیده حمایت می‌کند، جامعه مدنی پر جنب و جوش این کشور و شمار فزاینده سازمان‌های غیرحکومتی فعال در داخل و خارج از آمریکا، قادر نیستند در مقابل نقض حقوق اساسی اقشار جامعه داخلی ایالات متحده و همچنین جامعه بین‌المللی که توسط دولت آمریکا صورت می‌گیرد، اقدامات مؤثر و ساختاری انجام دهند. در این زمینه، به منظور ریشه‌یابی این معضل باید تحلیلی دقیق از ساختار اعتقادی رهبران نظام سیاسی آمریکا و موازین حقوق بشری ارائه داد تا بتوان بر این اساس، نمودهای نقض حقوق بشر توسط دولت آمریکا در داخل و خارج از این کشور را ترسیم کرد. در واقع با به قدرت رسیدن رونالد ریگان در اوایل دهه ۱۹۸۰ روح نومحافظه‌کاری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی رهبران آمریکا دمید. به طور کلی، نومحافظه‌کاران آزادی انسان‌ها را نفی کرده و معتقدند که یک گروه نخبه باید جامعه را رهبری کنند و توده‌ها نیز از آنها اطاعت کنند.

به عقیده آنها نابرابری‌های اجتماعی، برای رشد اقتصادی ضروری است، از این رو از بازار آزاد و کاهش مالیات حمایت می‌کنند. نومحافظه‌کاران معتقدند که دموکراسی در بطن قدرت نظامی امکان تداوم می‌یابد؛ بنابراین لازم است که طرفداران دموکراسی از بالاترین قدرت در رابطه با کشورهای دیگر برخوردار باشند تا فرصت برای نیروهای دموکراتیک ستیز در جهت تخریب فضیلت‌های دموکراتیک ایجاد نشود. اما ساختارهای حقوق بشری بر این بنیاد استوارند که اولاً دولت‌ها باید انواع آزادی اتباع و اقلیت‌های اجتماعی جامعه خود را سلب نکنند؛ ثانیاً، دولت‌ها باید تمام کوشش خود را به منظور ایجاد برابری اقتصادی و اجتماعی به کار گیرند؛ ثالثاً، دولت‌ها نه تنها باید در عرصه بین‌المللی آسیب یا خطری برای صلح، محیط زیست، مردمان بومی و ... نباشند، بلکه باید موقعیت آنها را ارتقاء دهند (کاکایی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

با علم به اینکه از سال ۱۹۸۰ تاکنون تصمیم‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی رهبران آمریکا بر مبنای فکری و عملی نظام نومحافظه‌کاری استوار است، این سؤالات مطرح می‌شوند که بنیادهای اعتقادی رهبران نومحافظه‌کار آمریکا در قبال موازین حقوق بشری چیستند؟ و پیامدهای منفی آن به چه شکل به نقض حقوق شهروندان آمریکایی و غیرآمریکایی انجامیده است؟

#### ۱. میزان انطباق نظام سیاسی حاکم بر آمریکا با موازین حقوق بشر

مکتب نومحافظه‌کاری در مخالفت با میراث روشنگری و مدرنیته و در ضدیت با عقل‌گرایی و اندیشه آزادی و اختیار انسان پدید آمد. محافظه‌کاران ادعای اصلی مدرنیته را درباره آزادی و آگاهی انسان نفی می‌کنند و او را موجودی مقید به سنت و تاریخ می‌دانند (بشیریه، ۱۳۹۰: ۳۰۰). می‌توان گفت ایدئولوژی نومحافظه‌کاری سه دوره اصلی داشته است: نخست، محافظه‌کاری لیبرال که در دوران اوج لیبرالیسم رفته

رفته از اثرش بر مالکیت زمین و پدرسالاری سیاسی و اجتماعی کاست و اصول لیبرالیسم را پذیرفت؛ دوم، محافظه‌کاری پدرسالارانه که با پیدایش دولت‌های مداخله‌گرا و بروز بحران در اقتصاد بازاری، بار دیگر به اصول پدرسالاری پیشین بازگشت و از دولت فراگیر پشتیبانی کرد؛ سوم، نومحافظه‌کاری که به اصول اقتصاد آزاد بازگشته و در چارچوب لیبرالیسم آموزه‌ای به نام «راست نو» را پدید آورده است (موسی‌نژاد و حسین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۰).

هسته مرکزی تفکر محافظه‌کاری اعتقاد به نابرابری انسان‌هاست و اینکه اقلیتی باید نقش هدایت جامعه را بر عهده داشته باشند و اکثریت از نبوغ این اقلیت برخوردار شوند. اما این اقلیت چه کسانی هستند؟ در پاسخ باید گفت محافظه‌کاران اشراف‌منش و محافظه‌کاران بورژواامنش. دسته اول به نوعی «اشرافیت طبیعی» اعتقاد داشتند؛ از این رو کسانی که به «اشرافیت طبیعی» تعلق دارند، از دانش، فضیلت و عقل لازم برای رهبری امور عمومی برخوردارند. اما محافظه‌کاران بورژواامنش ستایشگر افرادی استثنایی هستند که با شایستگی‌های فردی خلق ثروت می‌کنند و از صفات نادری چون بصیرت، بلندپروازی و رهبری برخوردارند.

آنچه گاهی تاچریسم خوانده می‌شود، به این گروه از محافظه‌کاران تعلق دارد. در نهایت محافظه‌کاران جدید از الفاظی چون بازار آزاد و ابتکار فردی برای دفاع از نظام سرمایه‌داری و برای توجیه نابرابری‌های شدید اقتصادی و اجتماعی در عرصه جامعه استفاده می‌کنند (پولادی، ۱۳۸۳: ۲۰۸). از طرفی، نومحافظه‌کاران در عرصه‌ی بین‌المللی معتقدند که دموکراسی‌ها باید بتوانند با اقتدار کامل دشمنان خود را حتی با توسل به زور و قوه قهریه سرکوب کنند. به این ترتیب استفاده از زور برای ایجاد و گسترش دموکراسی نه تنها جایز بلکه ضروری است. آنها همچنین بر این باورند که هر رژیم سیاسی ناگزیر است برای ایجاد اتحاد ملی یک دشمن بیرونی برای خود ترسیم کند (موسوی شفاپی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). در مقابل، حقوق بشر از جمله مفاهیمی است که ریشه در خلقت بشری دارد و به انحاء مختلف در تمام ادیان الهی و آموزه‌های دینی به آن اشاره شده است. این حقوق از جمله قواعد حقوق طبیعی است که در چارچوب اصول کلی حقوق ذاتی تلقی می‌شود و در نتیجه فراتر از اراده‌ی حاکمان، اصول قهری، لایتغیر، عام و فراگیر است که مشمول مرور زمان نمی‌شود و لازمه‌ی حیات فردی و اجتماعی است (فروغی نیا، ۱۳۹۰: ۱۶۰). حقوق بشر از اساسی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق ویژگی‌هایی همچون جهان‌شمول بودن، سلب ناشدنی، انتقال‌ناپذیری، تفکیک‌ناپذیری، عدم تبعیض و برابری‌طلبی، به هم پیوستگی و درهم‌تنیدگی را داراست. از این رو، به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد. حقوق بشر سه نسل متفاوت دارد. نسل اول حقوق بشر مربوط به آزادی و دربردارنده حقوق مدنی و سیاسی است که از افراد در مقابل قدرت دولت‌ها محافظت می‌کند. این حقوق در درجه اول مربوط به افراد می‌شوند، اما در برخی موارد به صورت جمعی (مانند آزادی تشکل و حق تجمعات) نیز، بیان می‌شوند. حقوق مدنی و سیاسی عبارتند از: آزادی اندیشه و وجدان، آزادی بیان و مذهب، حق مشارکت در جامعه مدنی و سیاست و حفاظت از ممنوعیت تبعیض در جامعه و غیره. نسل دوم حقوق بشر شامل حقوقی است که برابری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جامعه تضمین می‌کند. این حقوق شامل شرایط کار مساوی، حق امنیت اجتماعی، حق مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پرورش

و بیمه بیکاری برای آحاد جامعه هستند که باید دولت‌ها آنها را ایجاد و حفاظت کنند. نسل سوم حقوق بشر، در اواخر قرن بیستم بروز و ظهور پیدا کرد. حق توسعه، حق صلح، حق محیط زیست سالم، حق بر ارتباطات، میراث مشترک بشریت (شامل منابع زمینی، دریایی و هوایی)، حق ارتباطات و کمک‌های بشردوستانه (بدون در نظر گرفتن اهداف سیاسی)، حق تعیین سرنوشت، حق مردمان بومی و غیره از جمله حقوق نسل سوم هستند (باقی، ۱۳۸۹: ۴۰). بنابراین، می‌توان دریافت که شالوده‌های فکری نظام نومحافظه‌کاری و موازین حقوق بشری تفاوت‌هایی دارند. توضیح آنکه دید نومحافظه‌کاری به مسائل اجتماعی-سیاسی به این شرح است: اولاً، انسان‌ها به طور طبیعی از حیث انرژی و استعدادها گوناگون‌اند و هر طرحی برای همسطح کردن افراد جامعه بیهوده است؛ ثانیاً، وجود سلسله مراتب اجتماعی مطلوب است، زیرا اکثریت می‌توانند از رهبری اقلیت نخبه سود ببرند (پولادی ۱۳۸۳: ۲۰۷)؛ ثالثاً، با توجیه نابرابری اجتماعی، طبعاً نهاد مالکیت نیز پدیده‌ای طبیعی توجیه می‌شود و مالکیت بازتاب نابرابری-های طبیعی است؛ رابعاً، نومحافظه‌کاری در برابر اندیشه آزادی و برابری اجتماعی و دموکراسی مقاومت کرده و در مقابل از رسوم سنت‌های نظم پیشین حمایت کرده است؛ خامساً، نومحافظه‌کاران بر قدرت و اقتدار سیاسی فراگیر دولت تأکید کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

در مقابل مدافعان حقوق بشر از زاویه‌ای متفاوت به امور اجتماعی و سیاسی می‌نگرند. اولاً، حقوق بشر حق مسلم هر انسانی بدون توجه به طبقه، شغل، مذهب، جنسیت و ملیت او می‌باشد [بنابراین بر برابری طبیعی اعتقاد دارد] و اصول حقوق بشر برای پیشبرد اهداف زندگی انسان‌ها ضروری است؛ ثانیاً، حقوق بشر جهانشمول و فراگیرند و مختص به یک طبقه خاص نیستند و ضد سلسله مراتب اجتماعی‌اند؛ ثالثاً، حقوق بشر خاصه حقوق اقتصادی، غیر قابل فسخ هستند و هیچ دولتی نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد؛ رابعاً، اصول حقوق بشر پویا هستند و مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و توسعه سیاسی جاری درون یک کشور را شامل می‌شوند؛ خامساً، حقوق بشر قدرت دولت‌ها را در عرصه داخلی و بین‌المللی محدود می‌کند.

## ۲. جایگاه آمریکا در ارتقای نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری

در جهان امروز، یکی از مشخصه‌های نظام بین‌الملل، حمایت جهانی از حقوق بشر است که دوری و نزدیکی از آن بر حیثیت و اعتبار دولت‌ها نزد دیگر بازیگران بین‌المللی اثر مستقیم دارد. این مسئله موجب می‌شود تا بسیاری از کشورها در سیاست داخلی و خارجی خود حقوق بشر را لحاظ کنند؛ به گونه‌ای که ادارات حقوق بشر در وزارت خارجه بسیاری از کشورها ایجاد شده است و دولت‌ها همواره مسئله حقوق بشر را در نسل‌های متفاوت بررسی می‌کنند (ذاکریان، ۱۳۷۸: ۲۱). از این رو، نقش آمریکا در اقدامات مؤثر در زمینه حقوق بشر را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

حمایت قانون اساسی آمریکا از آزادی بیان و عقیده بازتاب این اندیشه است که توانایی افراد در بیان آزادانه عقاید خود بدون ترس از مجازات حکومت، به استقلال و آزادی و همچنین مشروعیت حاکمیت منجر می‌شود. اجازه دادن به شهروندان برای ابراز آشکار نگرانی‌های عمومی؛ شفافیت، ثبات اجتماعی، تحمل عقاید یکدیگر و حکومت نماینده‌سالار را موجب می‌شود. این عقیده در عمل به خوبی در جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی آمریکا، منعکس شده است.

تقریباً حدود یک و نیم میلیون سازمان غیردولتی در آمریکا مشغول به کارند. این سازمان‌ها گستره وسیعی از فعالیت‌ها همچون انتخابات، محیط زیست، حقوق زنان، مسائل بهداشتی و درمانی، توسعه اقتصادی، مخالفت و حمایت در ارتباط با سیاست خارجی و داخلی را دربر می‌گیرند. همچنین بسیاری از سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌هایی که به سیاست مربوط نیست، فعالیت می‌کنند. به طور کلی، هر گروه از افراد ممکن است گرد هم آیند و یک سازمان غیررسمی را به منظور منافع مشترک یا ایده‌های مشابه، بدون هر گونه دخالت یا تأیید دولت، به وجود آورند.

در عرصه بین‌المللی نیز، آمریکا باور دارد که نقشی اساسی در توسعه و حمایت از ایده حقوق بشر داشته است. اعلامیه استقلال که توسط آن سرسپردگی مستعمره‌های آمریکا به پادشاهی بریتانیا به پایان رسید، در سال ۱۷۷۶ م اعلام داشت که: «همه‌ی مردم آزاد آفریده شده‌اند». همچنین بعد از جنگ اول جهانی رئیس‌جمهور آمریکا، وودرو ویلسون، از خودمختاری دولت‌ها و حمایت از اقلیت‌ها دفاع کرد. پس از جنگ جهانی دوم آمریکا سرمایه‌گذاری و تلاش‌های شایان ملاحظه‌ای را برای تقویت دموکراسی در اروپا و ژاپن انجام داد.

باید پذیرفت که در تمام کشورهای جهان نقض حقوق بشر صورت می‌پذیرد. اما آنچه موقعیت ایالات متحده را متمایز می‌سازد، وجود ساختارهای فکری نهادینه شده‌ی نومحافظه‌کاری در تصمیم‌گیری‌های حکومتی سیاستمداران آمریکایی است که بدون بررسی آنها تحلیل همه‌جانبه میزان رعایت وضعیت حقوق بشر در داخل جامعه آمریکا و محیط بین‌المللی، از معیارهای علمی دور می‌شود. ضمن اینکه تأثیر عملی همین تفکرات، مانعی ساختاری برای تحقق خواست سازمان‌های مردم‌نهاد حقوق بشری در آمریکا و جهان هستند.

### نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی با توجه به آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت می‌توان گفت که یکی از مکانیزم‌های مهم نظارتی و اجرایی حقوق بشر در کشور ایران، قانون اساسی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که از جمله تضمین‌های حکومتی اجرای حقوق بشر در ایران بوده و زمینه‌های نظارت بر اجرای حقوق بشر را نیز فراهم کرده است. حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی (حق داشتن شغل مناسب، حق برخورداری از تأمین اجتماعی، حق بر مسکن، حق بر آموزش)، حقوق مدنی و فرهنگی از جمله مؤلفه‌های حقوق شهروندی هستند که در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منعکس شده‌اند. تضمینات و حمایت‌های قضایی نیز از حقوق بشر در ایران وجود دارد. این تضمینات و حمایت‌ها عبارتند از: تضمین حق دادخواهی فردی در جهت تحقق تعهد به احترام، سازوکارهای پیش‌بینی شده جهت تضمین حق دادخواهی فردی در جهت تحقق تعهد به حمایت (استقلال قوه قضاییه و قضات، سهولت دسترسی به دادگاه صلاحیت‌دار، علنی بودن محاکمات، مستدل و مستند بودن احکام دادگاه‌ها، حق داشتن وکیل دعاوی، جبران خسارت طرفین دعوی در صورت تفسیر یا اشتباه قاضی، اصل عدم جواز تأثیر یا استنکاف قاضی در رسیدگی به دادخواهی، اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، حضور هیات منصفه در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی، ممنوعیت هرگونه شکنجه برای کسب اقرار اطلاع و سوگند)، عدم

پیش‌بینی حق دادخواهی فردی نسبت به تعهدات ایفایی دولت (حق دسترسی برابر، مساعدت حقوقی و حمایت حقوقی، دسترسی به دادگاه یا دیوان، زمان متعارف برای اقامه دعوی اداری).

باید توجه داشت که در کنار قوای حکومتی، بخشی از اجرا و نظارت بر حقوق بشر بر عهده مردم خواهد بود. از این رو بسیاری از مکانیزم‌های نظارتی و اجرایی را شهروندان جامعه و شهروندان در سطح بین‌المللی، طراحی و پیاده‌سازی می‌کنند. هر چند که وظیفه‌ی قدرت عمومی، در اداره امور جامعه، تأمین نظم و امنیت و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم است؛ اما، باید توجه داشت که اقتدار حکومتی، خصوصاً تحت عنوان «نظم عمومی» می‌تواند عرصه را بر این حقوق و آزادی‌ها تنگ کند. در این صورت، حرکات و بازتاب‌های منطقی و سازمان‌یافته‌ای که در برگزیده‌ی مشارکت‌های مردم باشد، در جای خود می‌تواند زمینه مطالبه حقوق مردم و حمایت از حقوق بشر را، به طور «ابتکاری و مستقل» و یا «هماهنگ» از طریق مشارکت در نهادهای ملی، فراهم کند.

اساس اعتقادی نقض حقوق انسان‌ها توسط دولت آمریکا در چند دهه اخیر تفکر نومحافظه‌کاری است. نومحافظه‌کاری به سلسله‌مراتب و نابرابری انسانها در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأکید می‌کند؛ این در حالی است که موازین نسل‌های سه‌گانه حقوق بشری در مقابل این تفکر قرار دارند. مطابق نسل اول حقوق بشر، دولت‌ها نباید آزادی فردی، سیاسی و مدنی افراد و گروه‌های اجتماعی را سلب کنند. اما تبعیض نژادی به اشکال مختلف در آمریکا علیه سیاهپوستان وجود دارد و این قشر از جامعه آمریکا هم‌اکنون به اشکال مختلف همچنان شاهد نقض حقوق خود بوده‌اند. نمود عینی این مسئله در رفتار تبعیض‌آمیز نیروهای امنیتی و پلیس آمریکا با سیاهان است. در ارتباط با نسل اول، از سلب حقوق اساسی زندانیان نیز می‌توان نام برد. بسیاری از زندانیان که شهروند آمریکا می‌باشند، در سلول افراد زندانی می‌شوند که گاه هفته‌ها و ماه‌ها به طول می‌انجامد. بر اساس نسل دوم حقوق بشر، دولت‌ها باید تلاش خود را در جهت ایجاد برابری اقتصادی و اجتماعی به کار بندند. به دلیل عدم توانایی بسیاری از خانواده‌ها برای تأمین مسکن در آمریکا، بسیاری از خانوارها در این کشور در خیابان‌ها، و پناهگاه‌ها زندگی می‌کنند. در ایالات متحده چند صد هزار نفر بی‌خانمان وجود دارد، در حالی که حدود ۱۸ میلیون مسکن، بدون سکنه هستند. همچنین نهادهای حقوق بشری همواره بر نقض حقوق مهاجران در آمریکا تأکید می‌کنند. رفتارهای غیرانسانی، برخوردهای اهانت‌آمیز در سراسر زندگی اجتماعی مهاجران در آمریکا، نظام مهاجرت ایالات متحده را در تضاد با موازین اجتماعی حقوق بشر قرار می‌دهد. آمار رو به افزایش خشونت جنسی علیه زنان در جامعه و ارتش آمریکا، یکی دیگر از عوامل نگران‌کننده نقض حقوق بشر در این کشور است. صلح‌مداری و پاسداشت حقوق مردم سایر کشورها از مهمترین مولفه‌های نسل سوم حقوق بشر هستند که دولت‌ها نباید آنها را نقض نمایند. در این رابطه، دولت آمریکا بسیاری از اتباع کشورهای خارجی را بدون محاکمه و تفهیم اتهام به منظور مبارزه با تروریسم در زندان گوانتانامو، بازداشت نموده است. بسیاری از این زندانیان به علت شرایط سخت زندان بارها دست به اعتصاب غذا زده‌اند. واشنگتن همچنین، با اعطای کمک‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی، غذایی و ... به تروریستهای مسلح در سوریه یکی از بنیان اصلی ادامه بحران در این کشور و کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان است.

## منابع

## الف) فارسی

## - کتاب‌ها

- ۱- امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۶)، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- ایده، آسیبورن و کراوزه، کاترینا و روساس، الن (۱۳۹۱)، *حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*، ترجمه ماهرو غدیری و دیگران، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- ۳- خسروی، حسن (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی*، چاپ سوم، تهران: پیام نور.
- ۴- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۲)، *همه‌ی حقوق بشر برای همه*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۵- رضایی، علی‌عسگر (۱۳۹۳)، *آمریکا، حقوق بشر و ایران (تقابل دو گفتمان)*، چاپ اول، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- ۶- زارع، محمد مهدی و گنجی، محسن (۱۳۸۸)، *اصل ۴۴، انقلاب اقتصادی*، چاپ اول، تهران: مؤسسه نشر انتشارات امیرکبیر.
- ۷- صفار، محمدجواد (۱۳۸۶)، *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ ششم، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۸- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- علیخانی، محمد (۱۳۸۴)، *حقوق اساسی*، چاپ چهارم، تهران: نشر دستان.
- ۱۰- فتحی، فاطمه (۱۳۹۶)، *تحلیل بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با رویکرد ارزشیابی*، چاپ اول، نشر ندای کارآفرین.
- ۱۱- فصیح‌رامندی، منصوره (۱۳۹۵)، *حقوق فرهنگی در ایران و اسناد بین‌المللی*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۱۲- مهرپور، حسین (۱۳۸۸)، *حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن*، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، *مقدمه علم حقوق*، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۱۴- کاکایی، علی محمد (۱۳۹۳)، *نظام جهانی، نظام سرمایه (نگرشی بر ساختار سرمایه در کشورهای کمتر توسعه یافته)*، چاپ اول، تهران: زانا.
- ۱۵- نوری، فرشاد (۱۳۹۶)، *حقوق اجتماعی در اسلام*، چاپ اول، تهران: فرهوش.
- ۱۶- هاشمی، محمد (۱۳۸۳)، *حقوق اساسی، اصول و مبانی کلی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

## - مقالات

- ۱۷- اصلانی، نوروز و نورایی، مهدی (۱۳۹۶)، «واکاوی مفهومی واژگان چندمعنا در قانون اساسی دولت به معنای «کومت یا طبقه‌ی حاکم»»، *مجله‌ی مطالعات حقوق عمومی*، دوره‌ی ۴۷، شماره‌ی ۴۹.



- ۱۸- ذاکریان، مهدی و مختاری، بهروز (۱۳۹۳)، «تحلیل عملکرد شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سازوکار رویه‌های ویژه بر افزایش احترام به حقوق بشر»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال دوم، شماره ششم.
- ۱۹- زارع‌نعمتی، رویا (۱۳۹۴)، «جایگاه قواعد حقوق بشر در قانون مجازات اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۲»، تهران: کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- ۲۰- سراجی، محمود (۱۳۸۸)، «حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۶.
- ۲۱- شریف‌شاهی، محمد و جلالی، محمود (۱۳۹۱)، «نقش سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در توسعه حقوق بین‌الملل»، نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۲.
- ۲۲- طریقت، امیر (۱۳۹۷)، «بررسی ابعاد مختلف رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط شورای امنیت در مقابله با تروریسم بین‌الملل»، مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار، شماره ۲.
- ۲۳- علی‌پور، سمیرا و پرستش، رضا (۱۳۹۵)، «حقوق بنیادین بشر و مکانیزم‌های تضمین آن در قوانین کیفری ایران»، نخستین کنفرانس سراسری حقوق و مطالعات قضایی، شیراز، پردیس بین‌الملل توسعه ایده هزاره.
- ۲۴- فروغی‌نیا، حسین (۱۳۹۱)، «بین‌المللی شدن حقوق بشر و دگردیسی در مفهوم حاکمیت دولت‌ها در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره اول.
- ۲۵- موسوی، هادی (۱۳۹۴)، «منابع و ظرفیت‌های حقوق بشر در ایران»، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه‌ی پایدار جامعه مدنی، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس.
- ۲۶- موسوی کرمانشاهی، سجاد (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی ضمان خسارات ناشی از خطای قضایی»، تا اجتهاد، شماره ۱۳.
- ۲۷- نیکزاد، عباس (۱۳۸۶)، «حقوق مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله‌ی رواق اندیشه.

#### -پایان‌نامه و رساله

- ۲۸- احمدی اصل، ساسان، سردارنیا، خلیل‌اله (۱۳۹۶). «سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران با تمرکز بر حقوق بشر از منظر پراگماتیسم»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی علوم سیاسی.
- ۲۹- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۸۱)، «نظم حقوقی جدید بین‌المللی و گسترش حمایت از حقوق بشر»، رساله‌ی دکتری، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

(ب) انگلیسی

#### - Article

- 30- Davis, David, (2012), "Makers and Shapers": Human Rights INGOs and Public Opinion", *Human Rights Quarterly*, Vol.34, No.1.

- 31- Krause and A. Rosas (1995), *Economic, Social and Cultural Rights – A Textbook*, Dordrecht: *Martinus Nijhoff*.
- 32- Marianne S. Ulriksen, Sophie Plagerson (2014), *Social Protection: Rethinking Rights and Duties*, *World Development, Volume 64, December 2014*, Pages 755-765.
- 33- Waite and Kennedy v Germany, ECtHR, 18 February 1999, para 59; *Kart v Turkey*, ECtHR, 3 December 2009, para 79.